فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ٤، بهار ۹۵، صفحات ۹-۳۵

بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثّر بر هویّت ملّی (مطالعه‌ی موردی: شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید)

اسفندیار غفاری‌نسب[۱]، سیّد ابراهیم مساوات[۲]، محمّدعلی قاسمی‌نژاد[۳]، احمد علایی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

چکیده

هویّت ملّی مفهومی ذهنی از تعلّق به یک گروه ملّی خاص است که با مجموعه‌ی پیچیده‌ای از شرایط و احساسات همراه است و نگرش یک فرد را نسبت به آن گروه خاص و دیگر گروه‌ها بیان می‌کند. هدف این پژوهش شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویّت ملّی است که با استفاده از نظریّه‌ی کاستلز درباره‌ی هویّت، به روش پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویّت ملّی در بین شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید پرداخته است. بدین منظور، ٤۰۰ نفر از شهروندان به‌عنوان نمونه به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. اعتبار پرسش‌نامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردید. بر اساس نتایج، از میان هشت فرضیّه‌ی تحقیق، هفت فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. به‌علاوه، نتایج رگرسیون چندمتغیّره نیز بیانگر آن است که چهار متغیّر میزان دینداری (۲۲ درصد)، سن (٦ درصد)، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی (۵ درصد) و استفاده از رسانه (۳ درصد)، در مجموع ۳٦ درصد از تغییرات متغیّر وابسته را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: هویّت، هویّت ملی، کاستلز، دینداری، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی.

[۱] دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسؤول) s.ghafarinasab@gmail.com

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج s.ebrahimmosavat@gmail.com

[۳] دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز m.a.ghaseminejad@gmail.com

[٤] دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز m_yas 114@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

مقدّمه و طرح مسأله

هویّت، در علوم مختلف دارای فضای مفهومی خاصّی است. از دیدگاه آنتونی کوهن، ردّ پای بحث هویّت را باید در انسان‌شناسی اجتماعی فردریک بارث[1] جستجو کرد (کوهن[2]، ۱۹۹٦: ۱۰). کاربرد متداول این واژه، هم در معنای مفهومی و هم در بعد نظری، بسیار متنوّع و متغیّر است و حتّی زمانی که حیطه‌ی مورد بررسی خود را جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی در نظر بگیریم نیز قلمرو معنایی آن گسترده است. با این حال در عرصه‌ی جامعه‌شناسی این واژه به سه مفهومِ فرهنگ مردم، بخشی از «خود» و همذات‌پنداری فرد با یک اجتماع (هویّت ملی) مورد استفاده قرار می‌گیرد (استرایکر و بورک[3]، ۲۰۰۰: ۲۸٤).

هویّت از نظر لغوی به معنای هستی و ماهیّت است و موجب شناسایی و تمایز هر فرد از دیگری می‌شود (میرمحمّدی، ۱۳۸۳: ۷). هویّت داشتن یعنی همانند دیگران بودن در یک گروه و همانند خود بودن در گذر زمان نسبت به افراد گروه یا افراد خارج از گروه خودی (گل‌محمّدی، ۱۳۸۳: ۲۲٤). از نظر کاستلز[4] هویّت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه‌ی یک ویژگی فرهنگی یا دسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (پرووس[5]، ۲۰۰٤). به‌طور کلّی در تعریف هویّت می‌توان گفت، هویّت عبارت است از مجموعه خصوصیّات و مشخّصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیّت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آن‌ها را در یک ظرف مکانی و زمانی معیّن به‌طور مشخّص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلّق به آن‌ها متمایز سازد (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هویّت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. در شکل‌دهی، سامان‌دهی و سازمان‌دهی هویّت هر فرد، دو عنصر «تعریف ما از خود» و «تعریف ما از دیگران» دخالت دارد (کاردان، ۱۳۷۲: ۲۵). صرف‌نظر از سطح فردی، هویّت در سطوح بالاتر و عام‌تر به مفهوم هویّت جمعی نیز قابل رؤیت است و مقصود از آن حوزه‌ای از حیات اجتماعی است که فرد خود را به ضمیر «ما» متعلّق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهّد و تکلیف می‌کند. این هویّت‌های جمعی را می‌توان در سطوحی مرتب از کوچک و خاص به بزرگ و عام چون

[1] Fredrick Barth
[2] Kohn
[3] Stryker & Burk
[4] Castells
[5] Prevos

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

خویشاوندی، هم‌طایفگی، هم‌محلّی، هم‌روستایی، هم‌زبانی، هم‌شهری، هم‌وطن، هم‌مذهب و هم‌نوع بودن تقسیم کرد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۰). در این میان، مهم‌ترین نوع هویّت جمعی، هویّت ملّی است؛ زیرا نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه‌ی فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتّی اقتصاد دارد؛ به عبارت دیگر، هویّت ملّی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویّت در همه‌ی نظام‌های اجتماعی است (همان: ۲۰۱).

هویّت ملّی به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید است که ابتدا در اروپا سربرآورد و سپس از اواخر سده‌ی نوزدهم، به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. امّا هویّت ملّی، به‌عنوان یک مفهوم علمی، از ساخته‌های جدید علوم اجتماعی است که از نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم به جای مفهوم «خلق و خوی ملّی» که از مفاهیم عصر تفکّر رمانتیک بود، رواج پیدا کرد (اشرف، ۱۳۷۲: ۵۲۵).

آنتونی اسمیت[1] تعریف ذیل را درباره‌ی هویّت ملّی کارآمدتر می‌داند: «بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنّت‌هایی که میراث متمایز ملّت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویّت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰؛ گوبرنا[2]، ۲۰۰٤: ۱۲۷).

برخی از تعاریف هویّت ملّی بر عناصر یکپارچه‌کننده‌ی واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویّت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۲؛ هاستینگ[3]، ۱۹۹۷: ۹۵). برخی دیگر بر جنبه‌ی روانی آن تأکید دارند. عدّه‌ای نیز مشترکات ملّی و دل‌بستگی به آن را عنصر اصلی تعریف هویّت ملّی می‌دانند و آن را به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد، تعریف می‌کنند (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۸٤).

درباره‌ی مؤلّفه‌های هویّت ملّی، اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. در حالی که در جغرافیا سرزمین و تاریخ مشترک مؤلّفه‌های اساسی هویّت ملّی تلقّی می‌شوند، در علوم سیاسی تکیه بر ساختار سیاسی مشترک، ملّیّت یا جامعه‌ی مدنی است. در علوم اجتماعی زبان، دین و آداب و سنن مشترک را عناصر اصلی هویّت ملّی محسوب می‌کنند و

[1] Anthony Smith
[2] Guibernau
[3] Hastings

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

در فلسفه بیش‌تر بر وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تأکید می‌گردد. در روان‌شناسی اجتماعی نیز به هویّت «ما» و احساسات مشترک و آگاهی جمعی توجّه می‌شود. (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

در زمینه‌ی پیدایش و شکل‌گیری هویّت ملّی در ایران، دو دیدگاه زیر وجود دارد:

الف) برخی از صاحب‌نظران معتقدند هویّت ملّی در ایران پدیده‌ای متأخّر و متأثّر از دنیای غرب است که در نهضت مشروطه نمود عینی پیدا کرد. به نظر آن‌ها، در اروپا دولت- ملّت‌ها در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی ظهور کرد و به‌عنوان مبنایی برای شکل‌گیری دولت‌های مطلقه مورد استفاده قرار گرفت. دولت‌های مطلقه‌ی تازه‌تأسیس اروپایی در راستای تفکیک و تشخیص ملّت‌ها دولت‌های خود از سایر دولت- ملّت‌ها و نیز در راستای تحکیم وحدت و انسجام درونی خود، از مفهوم ناسیونالیسم و هویّت ملّی بهره گرفتند (مجتهدزاده، ۲۰۰۹: ۵-٦). آن‌ها کوشیدند تا با بازخوانی تاریخ و کشف هویّت یگانه‌ی ملّت‌های خود راه را برای ساختار یکپارچه‌ی دولت‌های ملّی و دستگاه‌های اداری و نظامی آن و هم‌چنین آموزش سراسری ملّی با زبان واحد، فراهم سازند. همان‌گونه که مرفی[1] یادآوری می‌کند، الگوی دولت‌های مدرن، الگوی ملّت‌ها را منعکس می‌نماید (مرفی، ۲۰۰۳: ۲۱۸). استفاده‌ی دولت- ملّت‌های مدرن از این مفهوم به حدّی بود که بسیاری از کارشناسان و نظریّه‌پردازان، هویّت ملّی و ناسیونالیسم را اصلی‌ترین ایدئولوژی دولت‌های مطلقه‌ی مدرن می‌دانند (آشوری، ۱۳۸٤، به نقل از قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۹۵).

بر اساس آرای متفکّرانی که هویّت ملّی را مفهومی متأخّر و جدید می‌پندارند، هویّت ملّی محصول تلاش آگاهانه یک طبقه‌ی سیاسی برای ایجاد ابزاری است که ابقای قدرت و اعمال حاکمیّت را تسهیل می‌کند. مرتضی مردیها، حسین بشیریه، داریوش آشوری و صادق زیباکلام جزء این دسته از صاحب‌نظران هستند که معتقدند هویّت ملّی پس از دوران مشروطه در ایران پدید آمده است.

ب) گروه دیگری از اندیشمندان معتقدند اگرچه مفهوم هویّت ملّی در غرب پس از پیدایش دولت- ملّت‌های اروپایی در سده‌ی نوزدهم میلادی پدید آمد، امّا این موضوع درباره‌ی کشورهایی چون ایران، چین، هند و ... که از قدمت تاریخی فراوانی برخوردارند، صدق نمی‌کند. به نظر این گروه، مفهوم هویّت ملّی ضرورتاً با رواج «ناسیونالیسم» و پیدایش دولت‌های مطلقه‌ی مدرن اروپایی به‌وجود نیامده است، بلکه نشانه‌هایی از وجود مفهوم ملّت و هویّت ملّی را می‌توان در

[1] Murphy

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

امپراتوری‌های گذشته جستجو کرد. بر اساس نظر این دسته از اندیشمندان مفهوم ملّت به‌عنوان شالوده‌ی شکل‌گیری هویّت ملّی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملّی سده‌ی نوزدهم میلادی، در کشورهای کهن وجود داشته است. بر این اساس، اگرچه پدیده‌ی هویّت ملّی در ملل اروپایی به صورت پدیده‌ای تصنّعی و مدرن، محصول دولت‌های ملّی سده‌ی نوزدهم میلادی است، امّا این امر را نمی‌توان به ملل کهنی چون ایران، یونان، چین و هند نسبت داد؛ زیرا این تمدّن‌ها از ابتدا بر یک آگاهی ذهنی از خود و دیگران قوام یافته و موجودیّت خویش را بر اساس این خودآگاهی ذهنی شکل داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که یونانیان غیر یونانیان، را بربر و ایرانیان نیز غیر ایرانیان را انیران می‌خواندند (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۹۶).

بر اساس نظریّات این گروه از نظریّه‌پردازان، هویّت ایرانی قرن‌ها پیش از پیدایش مفهوم هویّت ملّی در مغرب زمین در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم میلادی، وجود داشته و به دوره‌های دیرین تاریخ ایران تعلّق دارد. مهم‌ترین شاخصه‌ی این هویّت، تداوم سرزمینی، سیاسی (دولت)، فرهنگی (دینی) و هنری ایرانی بوده که با وجود گسست‌های کوتاه تاریخی، هم‌چنان از دوران باستان تا به امروز مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱).

امروزه بسیاری از کشورها با مسأله‌ی هویّت ملّی مواجه هستند (جونز و اسمیت[1]، ۲۰۰۱: ۱۰۵). این هویّت که بر پایه‌ی رویارویی ما با دیگران بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم می‌تواند به نیرویی ویرانگر بدل شود؛ به عبارت روشن‌تر، احساس هویّت ملّی اگر در حدّ معقول و معتدل قرار گیرد، می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصّبات قومی و ملّی و نژادی وارد شود و یا به بهانه‌ی چالش با تعصّبات قومی، به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند، نیرویی ویرانگر خواهد بود (اشرف، ۱۳۷۳: ۵۲۲-۵۲۳).

در جوامع سنّتی فرهنگ به‌خوبی از عهده‌ی انجام کار ویژه‌ی هویّت‌سازی برمی‌آمده زیرا از توانایی و قابلیّت تفاوت‌آفرینی و معنابخشی بسیار بالایی برخوردار بوده است. در چنین جوامعی فرهنگ نه تنها مرزهای شفّاف و پایداری را ایجاد می‌کرد، قادر به عرضه کردن نظام‌های معنایی منسجم و آرام‌بخش نیز بود. بنابراین، انسان‌هایی که در دنیای شکل‌یافته با فرهنگی معیّن قرار می‌گرفتند، خودبه‌خود و منفعلانه وارث هویّت و نظام معنایی آماده و از پیش‌موجود می‌شدند و تقریباً همه‌ی زمینه‌های بحران هویّت از بین می‌رفت. امّا در دوران معاصر، وضعیّت متفاوت است.

[1] Jones & Smith

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

در این دوران عوامل مختلفی (اجتماعی و فرهنگی) بر شکل‌گیری و تثبیت هویّت ملّی اثرگذار بوده و فرایند آن را متغیّر و پیچیده ساخته‌اند (گل‌محمّدی، ۱۳۸۰: ١٤).

کشور ایران نیز به‌رغم برخورداری از عناصر مختلف اثرگذار در شکل‌گیری هویّت ملّی، هنوز نتوانسته پس از گذر از خیزاب‌های مخرّب تاریخی، به تکامل چشم‌گیری در این عرصه (هویّت ملّی) دست یابد (مظفّری، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۹، به نقل از علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ٦۰). در واقع، تحقیقات نظری و تجربی متعدّد نشان داده‌اند که نظام هویّتی ایرانیان در یک سده‌ی اخیر دچار چالش‌ها و آسیب‌های جدّی‌ای شده است؛ چندان که برخی آن را بحران هویّت خوانده‌اند (احمدی، ۱۳۸٦: ۹۰). به علاوه، در شرایط کنونی که مسأله‌ی وفاق اجتماعی و وحدت ملّی هم از سوی هم‌بستگی‌های درون کشوری و هم از سوی فشارهای جهانی و فرایند جهانی شدن تحت‌تأثیر قرار گرفته، ضروری است نقش هویّت ملّی به‌عنوان عاملی بسیار مهم، در جهت انسجام اجتماعی، وفاق ملّی، صیانت فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی بیش از پیش مورد توجّه قرار گیرد (جهانگیری و معینی، ۱۳۸۹: ٤۱). بنابراین پرداختن به عوامل اثرگذار بر هویّت ملّی در جامعه‌ی ما در این برهه‌ی تاریخی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

در منطقه‌ی مورد بررسی ما (شهر اقلید) نیز عواملی چون گسترش فزاینده‌ی روند شهرنشینی و ملازمات آن، توسعه‌ی فناوری و ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی، استفاده‌ی روزافزون از وسایل ارتباطی جدید از قبیل اینترنت و ... سبب دگرگونی چارچوب‌های نمادین زندگی افراد شده و دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، قواعد و رسوم اخلاقی و مذهبی افراد با تزلزل و دگرگونی مواجه گردیده است. در چنین شرایطی اعضای جامعه به هویّتی نیاز دارند که از طریق آن بتوانند نظمی نسبی در زندگی و دنیای اطراف خود ایجاد نمایند و نوعی احساس تعلّق و هم‌بستگی به نظام اجتماعی کل پیدا کنند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۲). بر اساس آن چه گفته شد، سؤال اساسی تحقیق این است که عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثّر بر هویّت ملّی شهروندان شهر اقلید کدامند؟

پیشینه‌ی پژوهش

لقمان‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «توافق و عدم توافق در زمینه‌ی مؤلّفه‌های هویّت ملّی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران» انجام داده‌اند که از نوع فراتحلیل است. بر اساس یافته‌های تحقیق آن‌ها (٤۳ کتاب و ٤٦ پایان‌نامه)، در پایان‌نامه‌ها ۳۸ مؤلّفه برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

هویّت ملّی مشخّص شده که از این تعداد، ٦٥/٧٩ درصد از مؤلّفه‌ها فقط یک یا دو بار تکرار گردیده است. در کتاب‌های مرتبط با موضوع نیز ٤٨ مؤلّفه ذکر شده که از این تعداد، ۷۰/۸۳ از مؤلّفه‌ها فقط یک بار تکرار شده است. این پراکندگی در مؤلّفه‌ها نشان داده که برخلاف تصوّر رایج، میان مؤلّفه‌های هویّت ملّی در ایران توافق کلّی وجود ندارد و هریک از صاحب‌نظران بر مبنای دیدگاه خود، مؤلّفه‌هایی را در نظر گرفته‌اند. هم‌چنین مؤلّفه‌ها، در کتاب‌های درسی فاقد یکپارچگی بوده و همه‌ی جنبه‌ها را دربرنمی‌گرفته است.

یافته‌های پژوهش علیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۰) تحت‌عنوان «عوامل مؤثّر بر هویّت ملّی» بیانگر آن است که متغیّرهای ترم تحصیلی، تبعیّت از خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و احساس رضایت از زندگی، رابطه‌ی معناداری با گرایش به هویّت ملّی داشته‌اند. این متغیّرها در مجموع، ۲۱ درصد از تغییرات متغیّر هویّت ملّی را تبیین کرده‌اند.

ایزدی و قاسمی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت‌عنوان «تأثیر استفاده از شبکه‌ی اطّلاعات جهانی بر هویّت دینی- ملّی دانش‌آموزان» نشان داده‌اند که بین استفاده از شبکه‌ی اطّلاعات جهانی و هویّت دینی و ملّی نوجوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بر این اساس، استفاده‌ی ممتد از اینترنت که ناشی از جذّابیّت‌های فردی آن است، موجب تضعیف هویّت اجتماعی (دینی- ملّی) شده است.

یافته‌های تحقیق محمّدبخش و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ی «جهانی شدن و دانشجویان دانشگاه تبریز» نشان‌دهنده‌ی آن است که با افزایش فرایند جهانی شدن، هویّت ملّی دانشجویان کاهش می‌یابد. بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش، حکومت و ارگان‌های دولتی در ایران در مقایسه با سایر دولت‌ها، به‌خوبی نتوانسته‌اند از فرصت‌های فرا روی هویّت ملّی استفاده کنند و به‌رغم وجود هویّت ملّی بالا در بین مشارکت‌کنندگان این تحقیق، باز این خطر وجود دارد که با افزایش ارتباطات جهانی در کشور، هویّت ملّی در ایران به سستی گراید.

کرنلس[1] (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «ساخت ملّت چین در دوره‌ی بعد از جنگ سرد از منظر روابط خارجی» انجام داده که تمرکز آن بر نقش ژاپن و آمریکا به‌مثابه «دیگران مهم» در دیدگاه رهبران چین در سه مقطع مهم از هویّت ملّی چینی‌ها بوده است؛ یعنی به‌عنوان یک قربانی (گذشته)، به‌عنوان کشوری در حال توسعه (در حال حاضر) و به‌عنوان قدرتی بزرگ (آینده). این مقاله توضیح می‌دهد که ژاپن موقعیت ممتازی را در تثبیت ابعاد مربوط به گذشته‌ی هویّت چینی‌ها

[1] Cornelis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

به خود اختصاص داده است، در حالی که ایالات متّحده‌ی آمریکا نقشی محوری در موقعیّت کنونی و به‌ویژه آینده‌ی هویّت ملّی چینی‌ها ایفا می‌کند.

سانینا[1] (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت‌عنوان «ابعاد متناقض برای یک شهروند: اشکال پیدا و پنهان هویّت ملّی در روسیه» که از نوع کیفی و تحلیل محتوا بوده، به بررسی محتوای نشریّات و مجلّات (تصاویر، متن و ...) در یک دوره‌ی پنج‌ساله پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد با گذشتِ بیست سال از فروپاشی کمونیسم در این کشور، هنوز مفهوم هویّت ملّی به گونه‌ای جامع که علایق حکومت، نیازهای افراد و گروه‌های اجتماعی را در قالب یک نظام ارزشی جدید دربربگیرد، شکل نگرفته است. در حقیقت در این برهه از زمان در این کشور، هویّت ملّی بیش‌تر ناظر به علایق حاکمیّت است.

ادریس و همکاران[2] (۲۰۱۲) در مقاله‌ی «نقش آموزش در شکل‌دهی به هویّت ملّی جوانان» نشان داده‌اند که آموزش و تحصیلات در شکل‌گیری هویّت ملّی سهیم هستند. هم‌چنین این تحقیق به گونه‌ای جزئی‌تر به تأثیر این تحصیلات بر هویّت ملّی در میان گروه‌های قومی پرداخته است.

رادوسپ و وایکت[3] (۲۰۱۱) پژوهشی تحت‌عنوان «نقش پدیده‌ی سرودهای جمعی (ملّی) در توسعه‌ی هویّت ملّی در استونی» به روش کیفی و هرمنوتیک انجام داده و انواع سرودهای ملّی را در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی کرده‌اند. در جهان امروز، حفظ و تثبیت هویّت ملّی برای ملّت‌های کوچکی چون استونی دشوار است. تغییرات مداوم در جامعه‌ی استونی به طرح پرسش‌هایی درباره‌ی اثرگذاری سرود ملّی بر توسعه‌ی هویّت ملّی از منظر آموزش موسیقی منجر شده است. بر پایه‌ی یافته‌های این تحقیق، سرود ملّی به‌مثابه تحکیم‌کننده‌ی هویّت ملّی به‌کار گرفته می‌شود و نقش مهمّی در توسعه، تحکیم و بقای هویّت ملّی این کشور در گذشته داشته است.

نتایج تحقیق لانگ[4] و همکاران (۲۰۰۷) با عنوان «تأثیر اینترنت بر رشد هویّتی جوانان» که به بررسی تأثیرات اینترنت در شکل‌گیری هویّت نوجوانان چینی می‌پردازد، بیانگر آن است که کاربرد اینترنت نه تنها بر چهار بعد از رشد هویّت اثر گذاشته، بلکه شیوه‌های جدیدی از درک صورت‌بندی هویّت در میان نوجوانان چینی مشاهده گردیده است. در این بررسی نشان داده شده

[1] Sanina
[2] Idris et al
[3] Raudsepp & Vikat
[4] Long

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

که استفاده از اینترنت به‌مثابه روشی برای دریافت تجربیّات در محیط سایبرنتیک فهمیده می‌شود و رشد هویّت نیز به‌عنوان میزان تعهّد به یک مفهوم معیّن از خود، درک می‌گردد.

در پژوهش‌های گوناگون یاد شده، دو نکته قابل توجّه است؛ نخست این که در این پژوهش‌ها از چارچوب نظری مدوّنی استفاده نشده و دوم این که در آن‌ها، غالباً به نقش رسانه‌ها و فضای مجازی توجّه شده است و سایر عوامل کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌علاوه، در این پژوهش‌ها اغلب هویّت ملّی در سطح کلان یا شهرهای بزرگ بررسی گردیده و از توجّه به شهرهای کوچک غفلت شده است.

مبانی نظری پژوهش

نظریّه‌های هویّت را می‌توان در سه بخش نظریّه‌های کلاسیک، مدرن و پسامدرن مورد بررسی قرار داد. در دوره‌ی کلاسیک به شکل مدوّن به مسأله‌ی هویّت پرداخته نشده است، امّا در رویکرد مدرن تعریف هویّت به‌وسیله‌ی عواملی چون موجود طبیعی، روانی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. نظریّه‌های مهمّ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در این رویکرد قرار دارند. در رویکرد پسامدرن، این باور وجود دارد که شکل‌گیری و تعریف هویّت به دور از دخالت هرگونه عامل از قبیل موجود طبیعی، روانی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. این رویکرد که با نظریّه‌ی گفتمانی شناخته می‌شود، عمدتاً متأثّر از ادبیّات، زبان‌شناسی و معناشناسی است (اسداللهی، ۱۳۸۸: ۳٦). در ادامه به اختصار به برخی از نظریّه‌های هویّت اشاره و سپس چارچوب نظری و مدل تحقیق ارائه می‌شود.

نظریّه‌ی گیدنز[1]

گیدنز تأمّل و بازاندیشی در زمینه‌ی هویّت را منحصر به دوران مدرن می‌داند. در متن چالش‌های دنیای مدرن است که سنّت و طبیعت، مرجعیّت خاصّ خود را از دست می‌دهند و فرد در فضایی آکنده از اطّلاعات، دائماً به تأمّل درباره‌ی هستی خویش می‌پردازد (همان: ٤۳). از نظر گیدنز هویّت عبارت است از خودِ شخص آن گونه که شخص از خود تعریف می‌کند. به عقیده‌ی او، هویّت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی، پیوسته تغییر می‌کند. بنابراین هیچ‌کس دارای هویّت ثابتی نیست (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵). به نظر گیدنز، شرط اساسی تدارک هویّت شخصی، استقرار اعتماد بنیادین است. هویّت شخصی را نمی‌توان برحسب ماندگاری آن در زمان مورد توجّه قرار داد، بلکه هویّت برخلاف خود به‌عنوان پدیده‌ای عام، مستلزم آگاهی بازتابی

[1] Giddens

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

است (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸٦). وی معتقد است با کاهش نفوذ سنّت و توسعه‌ی مدرنیته همراه با تفکیک و انسجام اجتماعی، امکان تحقّق هویّت‌های جمعی چندگانه و آزادی افراد در انتخاب آگاهانه و خردمندانه‌ی آن‌ها، پدید می‌آید (ریتزر، ۱۳۸٤: ۸۰).

نظریّه‌ی تاجفل[1]

تاجفل در سال ۱۹۷۸ نظریّه‌ی هویّت اجتماعی خود را مطرح کرده است. وی برای توسعه‌ی این نظریّه کوشیده است تا تغییرات اجتماعی را بر پایه‌ی آن تبیین کند. اساس نظریّه‌ی تاجفل توجّه به جنبه‌هایی از هویّت است که از عضویّت گروه ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر، هویّت اجتماعی توسّط شخصیّت فرد تعیین نمی‌گردد (اریلی[2]، ۲۰۱۲: ۵۳۹). به عقیده‌ی تاجفل، افراد برای اثبات برتری گروه خود، به مقایسه‌ی گروه خودی با دیگر گروه‌ها می‌پردازند و با این کار ارزش گروه خود را در رابطه با گروه‌های مشابه نشان می‌دهند و به مقایسه‌ای بین گروهی دست می‌زنند. تاجفل این فرایند را که افراد خودشان، درون گروه را از برون گروه جدا می‌کنند، مقوله‌بندی اجتماعی می‌نامد. به نظر او، هویّت اجتماعی در یکی از همین فرایندهای درونی کردن مقوله‌های اجتماعی پدید می‌آید (ایمان و کیذقان، ۱۳۸۲: ۸۲). تاجفل معتقد است مقوله‌بندی اجتماعی اجازه می‌دهد که درک‌کننده، محیط اجتماعی را به‌عنوان یک راهنمای عمل و مهم‌تر از آن یک سیستم جهت‌یابی برای خودارجاعی و ارائه‌ی تعریفی برای جایگاه افراد در جامعه، به‌وجود آورد.

نظریّه‌ی بورک[3]

بورک یکی از نظریّه‌پردازان کنش متقابل‌گرایی است. بنیان نظریّه‌ی وی این است که اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از هویّت‌های نامنظّم و جداگانه‌ای است که تعارض آن‌ها با یکدیگر استرس ایجاد می‌کند. به نظر بورک، افراد دارای هویّت ثابتی نیستند، بلکه با توجّه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، هویّت جدید می‌یابند. این هویّت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص باشند و تا هنگامی که تعارض این هویّت‌های ناقص برطرف نشود، تعارض و اضطراب اجتماعی باقی می‌ماند. بر طبق نظریّه‌ی بورک، هویّت عبارت است از مجموعه‌ای از معانی که در تعریف یک نقش اجتماعی یا موقعیّت اجتماعی که یک شخص کیست، به‌کار برده می‌شود. این مجموعه

[1] Tajfel
[2] Ariely
[3] Burk

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

از معانی جداگانه مانند یک معیار (استاندارد) یا مرجع برای «چه کسی بودن» است. هنگامی یک هویّت فعّال می‌شود که یک پیوند بازخوردی تثبیت شود (بورک، ۲۰۰٤: ۵).

چارچوب نظری پژوهش: نظریّه‌ی کاستلز

به عقیده‌ی کاستلز، هویّت سرچشمه‌ی معنا و تجربه برای مردم است. برداشت کاستلز از اصطلاح هویّت عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویّت داده می‌شود. هویّت از کلمات، احساسات و حالات ساخته نشده، بلکه مانند هر چیز دیگر در دنیا، از مواد اوّلیّه و توسّط تاریخ و تجربه پدید آمده است. ما می‌توانیم درباره‌ی درک، دگرگونی و آرایش مجدّد صحبت کنیم، امّا آن چه اهمّیّت دارد این است که هویّتی را که ریشه در تاریخ نداشته باشد، نمی‌توان هویّت دانست، بلکه موهومات صرف است (کاستلز، ۲۰۰۱: ۱۱۵).

به نظر کاستلز همه‌ی هویّت‌ها برساخته می‌شوند، امّا مسأله‌ی اصلی این است که چگونه؟ از چه چیزی؟ توسّط چه کسی؟ و به چه منظوری؟. برای برساختن هویّت‌ها از مواد و مصالحی چون تاریخ، جغرافیا، سیاست، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره‌ی جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت و وحی و الهامات دینی استفاده می‌شود. امّا افراد، گروه‌های اجتماعی و جوامع، همه‌ی این مواد خام را می‌پرورانند و معنای آن‌ها را مطابق با الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی‌ای که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی- مکانی آن‌ها دارد، از نو تنظیم می‌کنند. به نظر کاستلز این که چه کسی و به چه منظوری هویّت جمعی را برسازد، تا حدّ زیادی تعیین‌کننده‌ی محتوای نمادین هویّت مورد نظر و معنای آن برای کسانی است که خود را با آن یکی یا بیرون از آن می‌دانند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲٤).

ملّت از دیدگاه کاستلز جماعت‌هایی فرهنگی هستند که با تاریخ و برنامه‌های سیاسی مشترک در ذهن مردم و خاطره‌ی جمعی آن‌ها برساخته می‌شوند و این مسأله که چه‌قدر باید تاریخ مشترک برای جمع وجود داشته باشد تا آن جمع به یک ملّت تبدیل شود، بسته به زمینه‌ها و دوره‌های مختلف تغییر می‌کند. اجزا و عناصری که زمینه‌ساز شکل‌گیری چنین جماعت‌هایی هستند نیز متغیّرند (همان: ۷۱). وی عواملی چون قومیّت، مذهب، زبان، آب و خاک را فی‌نفسه برای ساختن ملّت‌ها کافی نمی‌داند و بر برخورداری از تجربه‌ی مشترک به‌عنوان عامل مهم و کافی در ساختن ملّت‌ها، تأکید ویژه‌ای دارد. بنابراین با توجّه به این که تجربه‌ی مشترک عامل ایجادکننده‌ی هویّت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

است، می‌توان با ایجاد سازوکارهایی، زمینه‌ی این تجربیّات را افزایش داد. از جمله این سازوکارها می‌توان به آموزش و پرورش مشترک، رسانه و سیاست خارجی و دفاعی مشترک اشاره کرد (کاستلز، ۲۰۰۱: ۱۲۳).

چون ساختن هویّت همواره در بستر روابط قدرت انجام می‌گیرد، باید بین سه صورت و منشأ ساختن هویّت تمایز قائل شد؛ این سه صورت عبارتند از: هویّت مشروعیّت‌بخش، هویّت مقاومت و هویّت برنامه‌دار.

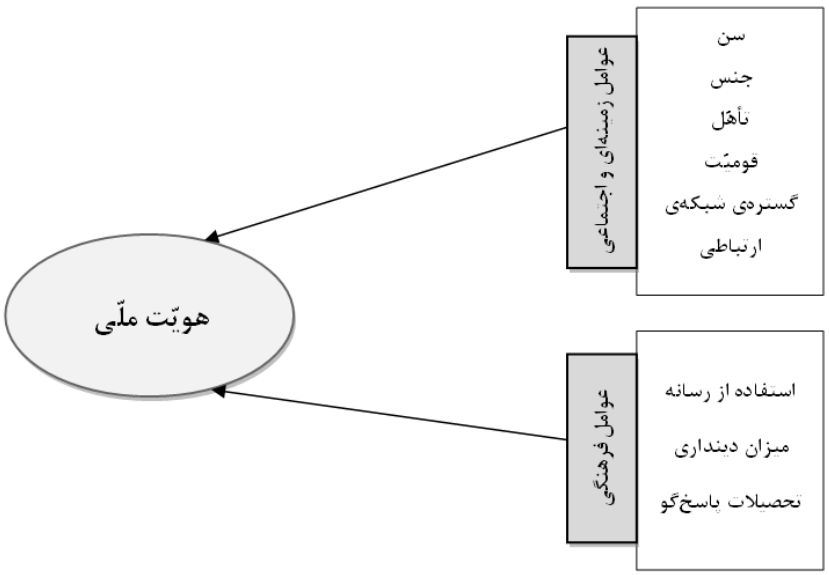
هویّت مشروعیّت‌بخش، هویّتی است که توسّط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه‌ی آن‌ها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند. این موضوع، هسته‌ی اصلی نظریّه‌ی اقتدار و سلطه‌ی سنّت است، امّا با نظریّه‌های گوناگون مربوط به ملّی‌گرایی نیز هم‌خوانی دارد که رسانه‌ها و دین از جمله راه‌های گسترش آن هستند.

هویّت مقاومت، به دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و شرایطی قرار دارند که از سوی منطق سلطه، بی‌ارزش به‌شمار می‌آید یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود. به نظر کاستلز این نوع هویّت‌سازی، منجر به ایجاد جماعت‌ها و اجتماعات می‌شود. این هویّت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند و معمولاً بر مبنای هویّت‌هایی (مثلاً ملّی‌گرایی مبتنی بر قومیّت) ساخته می‌شود که آشکارا به‌وسیله‌ی تاریخ، جغرافیا یا زیست‌شناسی تعریف شده‌اند و تبدیل مرزهای مقاومت را به جنبه‌های اساسی و ذاتی آسان‌تر می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲٦). این دسته، توسّط نخبگان و به‌عنوان دستگاهی برای عقلانی کردن دیدگاه‌های آن‌ها ساخته می‌شود. برنامه‌ی این هویّت، تلاش برای ساختن جامعه‌ای است که بدون تبعیض به تفاوت‌های فرهنگی احترام بگذارد (انیس، ۱۳۸٤: ۱۰٤-۱۰۵). البتّه اگر بخواهیم به این مقوله در ساختار ایران بنگریم، یکی از راه‌های مقاومت، تأکید بر قومیّت است؛ انتظار می‌رود هرچه پای‌بندی قومی قوی‌تر باشد، هویّت ملّی ضعیف‌تر شود.

هویّت برنامه‌دار نیز هنگامی تحقّق می‌یابد که کنش‌گران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویّت جدیدی می‌سازند که موقعیّت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کلّ ساخت اجتماعی هستند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲٤). از این منظر مقوله‌هایی چون تحصیلات، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی، وضعیّت تأهّل، سن و جنس، از جمله مواردی هستند که می‌توانند در شکل‌گیری یا بازاندیشی هویّت افراد مؤثّر باشند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

با توجّه به آن چه گفته شد، برای بررسی عوامل اثرگذار بر هویّت ملّی شهروندان اقلیدی، مدل نظری زیر طرّاحی گردید.



شکل شماره‌ی یک- مدل محقّق‌ساخته

فرضیّه‌های پژوهش

۱. بین سن و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
۲. بین جنس و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
۳. بین قومیّت و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
٤. بین وضعیّت تأهّل و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و هویّت ملّی آن‌ها رابطه وجود دارد.
٦. بین گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان استفاده از رسانه‌ها و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
۸. بین میزان دینداری و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمّی تحقیق و بـا اسـتفاده از روش پیمایشـی بـه جمـع‌آوری داده‌ها و اطّلاعات مورد نیاز پرداخته است. در این روش از ابزار پرسش‌نامه‌ی محقّق‌ساخته استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل همه‌ی افراد ۱۵ سال به بالای شهر اقلید است که طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آن‌ها ٤٢٦٠٤ نفر بوده است. با استفاده از فرمول کوکران و جدول لین، ٤۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه مشخّص گردیدند. داده‌ها با استفاده از آمارهـای توصـیفی و تحلیلـی بررسی شدند و در این راستا، برای آزمون فرضیّه‌های تحقیق از ضریب هم‌بسـتگی و آزمـون‌هـای مقایسه‌ی میانگین‌ها و نیز برای سنجش مدل تحقیق از رگرسیون چندمتغیّره به روش گـام بـه گـام استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری برای دست‌یابی به نمونه‌ی پژوهشی معرف، نمونه‌گیـری تصـادفی خوشـه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. از مزیّت‌های عمده و فلسفه‌ی وجـودی نمونـه‌گیـری خوشـه‌ای، قـدرت به‌کارگیری در مناطق وسیع (رفیع‌پور، ۱۳۸۳: ۳۸۸)، عدم نیاز به چارچوب نمونه‌گیری در دسترس و جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه است (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲٦۵). در این پـژوهش در مرحلـه‌ی اوّل، جامعه‌ی مورد مطالعه (شهر اقلید) به چند منطقه‌ی اصلی تقسیم شد. سپس از ایـن منـاطق بـزرگ، مناطق کوچک‌تر (محلّه و خیابان) انتخاب گردید و سرانجام از مناطق کوچک‌تر، بـه‌طـور تصـادفی یک نمونه برگزیده شد. روایی پژوهش به شیوه‌ی اعتبار صوری و با مراجعه به افـراد متخصّـص و صاحب‌نظر و تبادل نظر با آن‌ها تضمین گردید. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیـز از آلفـای کرونباخ استفاده شد. هم‌چنین برای اطمینان از پایایی ابـزار تحقیـق، در ابتـدا پرسـش‌نامـه توسّـط تعدادی از افراد به صورت آزمایشی تکمیل گردید. آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای طیف هویّـت ملّی ۰/۸۸، طیف دینداری ۰/۷۹، طیف گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی ۰/۸۱ و طیـف اسـتفاده از رسـانه ۰/۷۳ بوده است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به نتایج به‌دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی پرداخته می‌شود. ابتدا به توصیف خصوصیّات نمونه‌ی مورد مطالعه اشاره و سپس تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیّه‌ها بیان می‌گردد. از لحاظ جنسیّت ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۵۰ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنّ پاسخ‌گویان نیز ۳۳/۳۵ بوده است. به‌علاوه از لحاظ وضعیّت تأهّل، ۳۲/۳ درصد از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

پاسخ‌گویان مجرّد و ٦٤/٥ درصد متأهّل بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات نیز ۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان در سطح ابتدایی، ٤/٨ درصد در سطح راهنمایی، ۲/۵ درصد در سطح متوسّطه، ۲۰/۳ درصد در سطح دیپلم، ١٤/٣ درصد در سطح فوق دیپلم و ۵۳/۵ درصد در سطح لیسانس و بالاتر قرار داشته و ۳ درصد از آن‌ها نیز میزان تحصیلات خود را بیان نکرده‌اند. از لحاظ وضعیّت شغلی، ٦/٣ درصد از پاسخ‌گویان، متخصّصان و کارمندان (عالی‌رتبه و غیر عالی‌رتبه) بوده و ٥٤/٥ درصد در مشاغل خدماتی و تولیدی فعّالیّت داشته‌اند. ۲۰/۸ درصد نیز فاقد شغل بوده‌اند. هم‌چنین ۱۸/۵ درصد از پاسخ‌گویان شغل خود را بیان نکرده‌اند. میانگین نمره‌ی هویّت ملّی پاسخ‌گویان ٧٨/٣٤، میانگین دینداری ۵۸/۰۳، میانگین گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی ٢٢/٤٨ و میانگین استفاده از رسانه ۲۰/۹۳ بوده است. در ادامه، یافته‌های استنباطی تحقیق در قالب آزمون فرضیّه‌های تحقیق در جدول‌ها ارائه می‌شود.

فرضیّه‌ی اوّل: بین سن و هویّت ملّی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول شماره‌ی یک بیانگر رابطه‌ی میان سن و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه بر اساس ضریب هم‌بستگی است. با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۰۰)، این رابطه معنادار است. بنابراین فرضیّه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه میان سن و هویّت ملّی تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی یک- ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر سن و هویّت ملّی

متغیّر وابسته	متغیّر مستقل (سن)	
	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
هویّت ملّی	r= ۰/۲۸۷	Sig =۰/۰۰۰

فرضیّه‌ی دوم: بین جنسیّت پاسخ‌گویان و هویّت ملّی آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی دو رابطه‌ی میان جنسیّت و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه را بر اساس آزمون تفاوت میانگین‌ها (T) نشان می‌دهد. در مجموع، با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۵)، فرضیّه‌ی وجود تفاوت معنی‌دار میان جنسیّت و هویّت ملّی پاسخ‌گویان تأیید می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

جدول شماره‌ی دو- آزمون تفاوت میانگین هویّت ملّی پاسخ‌گویان برحسب جنسیّت آن‌ها

متغیّر مستقل		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
جنسیّت	مرد	۱۸۸	۷۹/۵۹	۱۲/۵۸	۱/۹۲	۰/۰۵
	زن	۱٦۹	۷٦/۹۵	۱۳/۳٤		

فرضیّه‌ی سوم: بین قومیّت پاسخ‌گویان و هویّت ملّی آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی سه، رابطه‌ی میان قومیّت و هویّت ملی افرادِ مورد مطالعه را بر اساس تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد. با توجّه به مقدار F به‌دست آمده (۷/۱۷) و سطح معناداری (Sig =۰/۰۰۰)، فرضیّه‌ی مورد نظر تأیید می‌شود؛ بدین معنا که میان هویّت ملّی قومیّت‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد و در این بین، فارس‌ها بیش‌ترین میانگین هویّت ملّی را دارند.

جدول شماره‌ی سه- تحلیل واریانس هویّت ملّی و قومیّت پاسخ‌گویان

قومیّت	فراوانی	میانگین	مقدار F	معنی‌داری
فارس	۱۸۰	۷٦/۲۸	۷/۱۷	۰/۰۰۰
لر	۱۲۳	۷۱/۲۵		
ترک	۸۵	٦۹/۷۲		
سایر	۱۲	۷۰/۱۲		

فرضیّه‌ی چهارم: بین وضعیّت تأهّل و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی چهار، رابطه‌ی میان وضعیّت تأهل و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه را بر اساس آزمون تفاوت میانگین‌ها (T) نشان می‌دهد. در مجموع، با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۰۰)، فرضیّه‌ی وجود تفاوت معنی‌دار میان وضعیّت تأهّل و هویّت ملّی پاسخ‌گویان تأیید می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

جدول شماره‌ی چهار- آزمون تفاوت میانگین هویّت ملّی پاسخ‌گویان برحسب وضعیّت تأهّل

متغیّر مستقل		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
وضعیّت تأهّل	مجرّد	۱۰۷	۷۳/۳۵	۱٤/۸۹	-٤/۸۷	۰/۰۰۰
	متأهّل	۲۳۸	۸۰/۵	۱۱/٤۳		

فرضیّه‌ی پنجم: بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و هویّت ملّی آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی پنج، رابطه‌ی میان میزان تحصیلات و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه را بر اساس تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد. با توجّه به مقدار F به‌دست آمده (۱/۱۷) و سطح معناداری (Sig =۰/۳۲)، فرضیّه‌ی مورد نظر تأیید نمی‌شود؛ یعنی میان میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و هویّت ملّی آن‌ها رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

جدول شماره‌ی پنج- تحلیل واریانس هویّت ملّی و میزان تحصیلات پاسخ‌گویان

میزان تحصیلات	فراوانی	میانگین	مقدار F	معنی‌داری
دیپلم و پایین‌تر	۱۸۲	۷۵/۷٤	۱/۱۷	۰/۳۲
فوق دیپلم و لیسانس	۱۵٦	۷٤/٦۲		
فوق لیسانس و بالاتر	٦۲	۷۵/٤۲		

فرضیّه‌ی ششم: بین گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و هویّت ملّی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی شش، بیانگر رابطه‌ی میان گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه بر اساس ضریب هم‌بستگی است. با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۰۰)، این رابطه معنادار است. بنابراین فرضیّه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه میان گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و هویّت ملّی تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی شش- ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و هویّت ملّی

متغیّر وابسته	متغیّر مستقل (گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی)	
هویّت ملّی	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

فرضیّه‌ی هفتم: بین میزان استفاده از رسانه‌ها و هویّت ملّی رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی هفت، بیانگر رابطه‌ی میان میزان استفاده از رسانه‌ها و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه بر اساس ضریب هم‌بستگی است. با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۰۰)، این رابطه معنادار است. بنابراین فرضیّه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌ها و هویّت ملّی تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی هفت- ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر میزان استفاده از رسانه‌ها و هویّت ملّی

متغیّر وابسته	متغیّر مستقل (میزان استفاده از رسانه‌ها)	
	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
هویّت ملّی	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۰

فرضیّه‌ی هشتم: بین میزان دینداری و هویّت ملّی رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی هشت، بیانگر رابطه‌ی میان میزان دینداری و هویّت ملّی افرادِ مورد مطالعه بر اساس ضریب هم‌بستگی است. با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده (Sig =۰/۰۰۰)، این رابطه معنادار است. بنابراین فرضیّه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه میان میزان دینداری و هویّت ملّی تأیید می‌شود.

جدول شماره‌ی هشت- ضریب هم‌بستگی پیرسون بین متغیّر میزان دینداری و هویّت ملّی

متغیّر وابسته	متغیّر مستقل (میزان دینداری)	
	ضریب هم‌بستگی	سطح معنی‌داری
هویّت ملّی	۰/٤۸	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیونی

بررسی نتایج آماری مندرج در جدول شماره‌ی نُه نشان می‌دهد که با سطح معنی‌داری، معادله‌ی رگرسیون دارای چهار مرحله است که در هر مرحله یک متغیّر به معادله وارد شده است. نتایج جدول بیانگر آن است که میزان دینداری به‌عنوان نخستین و قوی‌ترین متغیّر، وارد معادله شده و به‌تنهایی توانسته است ۰/۲۲ از تغییرات واریانس متغیّر وابسته‌ی این تحقیق را تبیین نماید. این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

متغیّر با میزان T=٦/٤٢٤ و سطح معنی‌داری Sig.T=۰/۰۰۰ بیش‌ترین ارتباط را با هویّت ملّی داشته است؛ به عبارت دیگر، هرچه میزان دینداری شهروندان افزایش می‌یابد، هویّت ملّی آن‌ها بیش‌تر تقویت می‌شود. بر اساس آمارهای جدول مذکور، چهار متغیّر میزان دینداری، سن، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و استفاده از رسانه، در مجموع می‌توانند ۳٦ درصد از تغییرات هویّت ملّی شهروندان را تبیین کنند (R^2=۰/۳٦).

جدول شماره‌ی نُه- تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

مرحله	نام متغیّر	R^2	ضریب Beta	آزمون T	سطح معنی‌داری
اوّل	دینداری	۰/۲۲۷	۰/۳۲۱	٦/٤٢٤	۰/۰۰۰
دوم	سن	۰/۲۸٦	۰/۱۹۹	٤/۲۰۳	۰/۰۰۰
سوم	گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی	۰/۳۳۱	۰/۲۷۱	٥/٤۱۱	۰/۰۰۰
چهارم	استفاده از رسانه	۰/۳٦۱	-۰/۱۷٥	-۳/٦۷۳	۰/۰۰۰

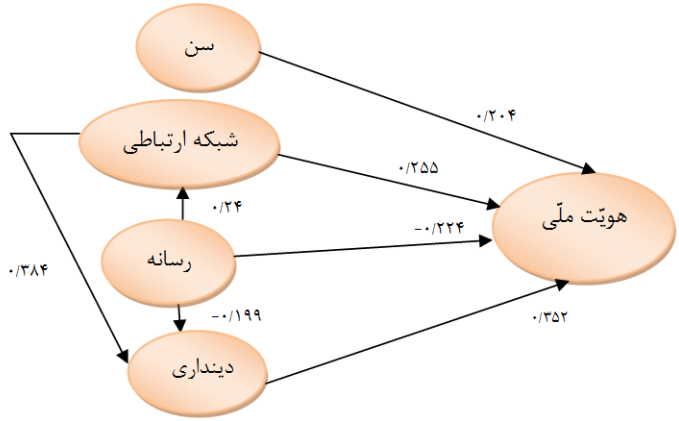
تحلیل مسیر

تکنیک تحلیل مسیر[1] از جمله تکنیک‌های چندمتغیّره است که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیّرهای مستقل بر متغیّر وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیّرها را نیز مدّنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیّرها را مطابق با واقعیّت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند (کلانتری، ۱۳۸٥: ۲۲۳). اهمّیّت و ارجحیّت تحلیل مسیر در مقایسه با تحلیل هم‌بستگی، آن است که تحلیل مسیر، امکان سنجش اثرات نسبی هر متغیّر مقدّم یا توضیحی بر متغیّرهای بعدی یا وابسته را ابتدا از طریق مشخّص کردن مفروضات مربوط به روابط علّی و سپس از طریق تعیین اثرات غیرمستقیم متغیّرهای مستقل یا توضیحی فراهم می‌کند (همان: ۲۲۷).

مدل علّی حاصل از تحقیق در یک دیاگرام مسیر به نمایش درمی‌آید. این دیاگرام برای بیان تصویری روابط بین متغیّرهای مورد نظر در تحلیل مسیر به‌کار می‌رود (همان: ۲۲٥). نمودار تحلیل تأثیرات علّی مستقیم و غیرمستقیم متغیّرهای مستقل بر متغیّر وابسته در تحقیق حاضر، به شکل زیر است.

[1] Path Analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]



شکل شماره‌ی دو- مدل تحلیل مسیر

جدول شماره‌ی ده- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیّرهای مستقل بر هویّت ملّی

نام متغیّر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
سن	۰/۲۰٤	-	۰/۲۰٤
شبکه‌ی ارتباطی	۰/۲۵۵	۰/۱۳۵	۰/۳۹
رسانه	-۰/۲۲٤	۰/۰۲	-۰/۲۰٤
دینداری	۰/۳۵۲	-	۰/۳۵۲
مجموع	۰/۵۸۷	۰/۱۵۵	۰/۷٤۲

بر اساس داده‌های جدول، پس از محاسبه‌ی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیّرهای مستقل بر رضایت از خدمات، متغیّر کیفیّت خدمات با توجّه به همه‌ی مسیرهای علّی - اعمّ از مستقیم و غیرمستقیم- بر هویّت ملّی، تأثیر افزایشی داشته است. تحلیل مسیر تأثیرات متغیّرهای مستقل و محاسبه‌ی نحوه و میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، حاکی از آن است که در مجموع، بیش‌ترین تغییرات متغیّر وابسته به اثر متغیّر دینداری مربوط می‌شود. برای محاسبه‌ی میزان تبیین تغییرات متغیّر وابسته از ضریب تعیین استفاده شده است. همان‌گونه که در نمودار مسیر مشخّص است، مقدار تغییرات تبیین‌نشده توسّط مدل برابر با ۰/۲۵٦ است که با فرمول زیر محاسبه شده است:

$R2 = 1- E2 \quad =>$

$E2 = 1- R2 \quad => \quad E2 = \ ۱ - ۰/۷۵٤ = ۰/۲۵٦$

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

بنابراین می‌توان گفت مدل علّی به‌دست آمده، ۲۵/٦ درصد از واریانس متغیّر وابسته را تبیین نمی‌کند و حدود ۷۵/٤ درصد از تغییرات هویّت ملّی توسّط این مدل تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هویّت، مفهومی کلیدی در جهان معاصر به‌شمار می‌رود. پس از جنگ جهانی دوم، استعمارگری، مهاجرت، جهانی شدن، رشد جنبش‌های اجتماعی جدید و اشکال هویّت سیاسی موجب شد تا پرسش درباره‌ی هویّت، در مرکز بحث و مناظره‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گیرد. افراد در موقعیّت‌های مختلف کنشی در لایه‌های گوناگون اجتماعی، از طریق عضویّت در گروه‌های مختلف، خود را شناسایی می‌کنند از این رو، دارای هویّت‌های جمعی مختلفی چون هویّت جنسی، شغلی، سنّی، قومی و ... هستند. در این میان، هویّت ملّی و احساس تعلّق خاطر به وطن، به سبب نقش آن در ایجاد وفاق اجتماعی و انسجام عام، از مهم‌ترین مسائل جوامع متمایز است. بنابراین، بررسی آن از اهمّیّت بسیار زیادی برخوردار است (جهانگیری و معینی، ۱۳۹۰: ۳۸).

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سنّی پاسخ‌گویان (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) ۳۳/۳۵ سال بوده است که ۳۲/۳ درصد از آن‌ها مجرّد و ٦٤/٥ درصد نیز متأهّل بوده‌اند. در این تحقیق، هشت فرضیّه مورد آزمون قرار گرفت که از این تعداد، هفت فرضیّه (سن، جنس، وضعیّت تأهّل، قومیّت، استفاده از رسانه، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و دینداری) تأیید و یک فرضیّه (تحصیلات پاسخ‌گو) نیز رد شد. میانگین میزان هویّت ملّی پاسخ‌گویان ۷۸/۳٤ بوده است.

رابطه‌ی مثبت و مستقیم سن با هویّت ملّی در پژوهش‌های حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) و نیز مرادی و همکاران (۱۳۹۱) تأیید شده است. هم‌چنین به‌نظر می‌رسد افراد متأهّل به سبب بهره‌مندی از شبکه‌ی حمایتی قوی‌تر و به‌ویژه حمایت‌های عاطفی‌ای که از همسران خود دریافت می‌کنند، از بستر مناسب‌تری برای تقویت هویّت ملّی برخوردارند و به دلیل برقراری روابط شخصی و خانوادگی و پیوندهای عمیق‌تر با دیگران، امکان دل‌بستگی گسترده‌تر به ارزش‌های خودی، برای آن‌ها بیش‌تر فراهم است. تحقیقات مرادی و همکاران (۱۳۹۱) و عامر و هووی[1] (۲۰۰۷) نیز این نکته را تأیید می‌کند.

در زمینه‌ی تحلیل نقش استفاده از رسانه در تضعیف هویّت ملّی باید گفت با گسترش

[1] Amer & Hovey

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

روزافزون رسانه‌ها به‌ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنّتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها، رفتارها و هویّت شهروندان تأثیر بگذارند و هم‌دلی و احساس تعلّق ملّی را کاهش دهند. اینگلهارت[1] با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این نظر است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی، می‌تواند گسست‌های جدّی‌ای در مبانی هویّتی جامعه ایجاد کند. هم‌چنان که کاستلز بیان کرده است رسانه‌های نوین ارتباطی با دگرگون ساختن بنیادین ماهیّت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویّت ملّی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۸۳-۳۸٤). این فرضیّه با نتایج پژوهش‌های علیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۰)، ایزدی و قاسمی (۱۳۹۰) و لانگ و همکاران (۲۰۰۷) هم‌سوست.

به‌علاوه، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و تماس‌های شخصی، قومی و دوستی و چگونگی آن می‌تواند محرّک مهمّی در هویّت ملّی باشد. این نتایج با پژوهش‌های پولانی[2] و همکاران (۲۰۰۱) و نیز مسی و آیسا[3] (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. در واقع، در این پژوهش‌ها تأکید فزاینده‌ای بر روابط قومی و خویشاوندی در جامعه شده است؛ هرچه این پیوندها و روابط اجتماعی قوی‌تر باشد، هویّت ملّی به صورت مطلوب‌تری تقویت خواهد شد.

درباره‌ی نقش دین در ایران می‌توان گفت دین از دیرباز نقشی اساسی در شکل‌گیری هویّت ملّی و انسجام جامعه‌ای داشته است. به تعبیری، دین از مهم‌ترین عواملی است که کارکرد آن انسجام‌بخشی به جامعه‌ی چندقومیّتی ایران است و مذهب نقش مسلّطی در توصیف و تحکیم هویّت ملّی ایران دارد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). فرضیّه‌ی رابطه‌ی مثبت دینداری و هویّت ملّی با پژوهش‌های حاجیانی (۱۳۸۸)، موحد و همکاران (۱۳۹۳) و آکالیسکی (۲۰۱۲) هم‌خوانی دارد.

در مجموع، پاسخ‌گویان ارزیابی مثبتی از مؤلّفه‌های هویّت ملّی دارند و با توجّه به این مؤلّفه‌ها، گرایش آن‌ها به هویّت ملّی قوی است. قوّت میزان گرایش به هویّت ملّی نشان‌دهنده‌ی آن است که شهروندان اقلیدی خود را ایرانی می‌شناسند و هویّت جامعه‌ای (ایرانی)، بخشی از هویّت اجتماعی و شخصیّت کلّی آنان را تشکیل می‌دهد.

در منطقه‌ی مورد بررسی ما (شهر اقلید) عواملی چون گسترش فزاینده‌ی روند شهرنشینی و ملازمات آن، توسعه‌ی فناوری و ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی، استفاده‌ی روزافزون از وسایل

[1] Ingelhart
[2] Palloni
[3] Massey & Aysa

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

ارتباطی جدید از قبیل اینترنت و ... سبب دگرگونی چارچوب‌های نمادین زندگی افراد شده و دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، قواعد و رسوم اخلاقی و مذهبی افراد با تزلزل و دگرگونی مواجه گردیده است. در چنین شرایطی اعضای جامعه به هویّتی نیاز دارند که از طریق آن بتوانند نظمی نسبی در زندگی و دنیای اطراف خود ایجاد نمایند و نوعی احساس تعلّق به نظام اجتماعی کلّ و هم‌بستگی با آن را پیدا کنند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۲). بر پایه‌ی دیدگاه استرایکر، افراد مورد مطالعه‌ی ما در این تحقیق، دارای سطوح مختلف هویّت ملّی بوده‌اند که این سطوح بر اساس ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای که در آن پرورش یافته‌اند، متفاوت است (ایمان و کیذقان، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

پیشنهادها

با توجّه به فراگیر بودن رسانه در میان افراد جامعه به‌ویژه جوانان، اهمّیّت آن در قوام بخشی به ایده‌ها، ساخت هویّت و ترمیم آسیب‌های وارد شده به جوامع، بسیار زیاد است. به‌طور کلّی رسانه می‌تواند در نزدیک کردن سلیقه‌ها و خواست‌ها در جامعه موثّر باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های محلّی به‌ویژه صدا و سیمای استان، برنامه‌هایی از همه‌ی اقوام و گروه‌های مختلف شهرِ مورد مطالعه تهیّه گردد؛ کارهای جمعی مورد تشویق قرار گیرد و مزایا و محاسن ارتباطات و تعاملات اجتماعی بازگو شود. هم‌چنین با انتقالِ به‌موقع اخبار و اطّلاعات مهم، اعتماد عمومی آن‌ها جلب شود و در نهایت به تقویت هویّت ملّی یاری رساند.

دین اسلام و مذهب تشیّع، عنصر برجسته‌ی هویّت ملّی ایرانیان به شمار می‌آید و اعتقاد قلبی به دین اسلام، شاخصه‌ی مهم بعد دینی است. بنابراین می‌توان با ارائه‌ی پیام‌های دینی در قالب‌های جدید، خلّاقانه، مبتکرانه و به دور از کلیشه‌های رایج به‌ویژه در مراکز آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، زمینه‌های تثبیت بهتر و بیش‌تر حسّ انسجام و هویّت ملّی را در شهرِ مورد مطالعه فراهم آورد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

منابع

۱. احمدلو، حبیب و افروغ، عماد (۱۳۸۱) «رابطه‌ی هویّت ملّی و هویّت قومی در بین جوانان تبریز»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملّی**، ٤ (۱۳)، صص ۱۰۹-۱٤۳.

۲. احمدی، حمید (۱۳۸۲) «هویّت ملّی ایرانی در گستره‌ی تاریخ»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملّی**، ٤ (۱)، صص ۹-٤۸.

۳. احمدی، سیروس (۱۳۸٦) «بررسی هویّت ملّی و ارتباط آن با برخی متغیّرهای اجتماعی و جمعیّتی: مطالعه‌ی موردی شهر یاسوج»، **مجلّه‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان**، ۲۵ (٤)، صص ۸۷-۱۰۲.

٤. اسداللهی، سارا (۱۳۸۸) «**بررسی تأثیر کاربرد اینترنت بر هویّت ملّی دانشجویان: مطالعه‌ی موردی دانشگاه شیراز**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

۵. اشرف، احمد (۱۳۷۳) «بحران هویّت ملّی و قومی در ایران»، **ایران‌نامه**، ۱۲ (٤۷)، صص ۵۲۱-۵۵۰.

٦. الطایی، علی (۱۳۸۲) **بحران هویّت قومی در ایران**، تهران: شادگان.

۷. ایزدی، مهشید و قاسمی، کبری (۱۳۹۰) «تأثیر استفاده از شبکه‌ی اطّلاعات جهانی بر هویّت دینی- ملّی دانش‌آموزان»، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، ۳۸ (۱٤٦)، صص ۱۱٤-۱۲۱.

۸. ایمان، محمّدتقی و کیذقان، طاهره (۱۳۸۲) «بررسی عوامل مؤثّر بر هویّت اجتماعی زنان: مطالعه‌ی موردی زنان شهر شیراز»، **فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا**، ۱۲ (۱٤)، صص ۷۹-۱۰۷.

۹. توسّلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمّد (۱۳۸۳) «هویّت‌های جمعی و جهانی شدن»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، ٤ (۲٤)، صص ۱-۲٦.

۱۰. جهانگیری، جهانگیر و معینی، مهدی (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و هویّت ملّی: نمونه‌ی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز»، **مجلّه‌ی علوم اجتماعی**، ۷ (۲)، صص ۳۷-۷٤.

۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸) «نسبت هویّت ملّی با هویّت قومی در میان اقوام ایرانی»، **مجلّه‌ی جامعه‌شناسی ایران**، ۹ (۳ و ٤)، صص ۱٤۳-۱٦٤.

۱۲. ــــــــــــــ (۱۳۷۹) «تحلیل جامعه‌شناختی هویّت ملّی در ایران و طرح چند فرضیّه»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملّی**، ۲ (۵)، صص ۱۹۳-۲۲۸.

۱۳. حکیم‌زاده، رضوان؛ طلایی، ابراهیم و جوانک، ماندانا (۱۳۹۲) «تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران»، **فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، ۳ (٦۹)، صص ۸۱-۱۰۲.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۱٤. روح‌الامینی، محمود؛ بهشتی، سیّد علیرضا؛ تاجیک، محمّدرضا و ابوطالبی، علی (۱۳۷۹) «میزگرد فرهنگ و هویّت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملّی**، ۲ (٤)، صص ۹-٦۰.

۱۵. ریتزر، جورج (۱۳۸٤) **نظریّه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

۱٦. زهیری، علیرضا (۱۳۸٤) «چیستی هویّت ملّی»، **فصلنامه‌ی علوم سیاسی**، ۸ (۲۹)، صص ۲۹-۵۰.

۱۷. علیزاده اقدم، محمّدباقر؛ شیری، محمّد و اوجاقلو، سجاد (۱۳۸۹) «نقش آموزش در ارتقای شاخص‌های هویّت ملّی: بررسی مطالعه‌ی موردی دانش‌آموزان شهر زنجان»، **فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی**، ۳ (۹)، صص ۱۸۱-۲۰٦.

۱۸. علیزاده اقدم، محمّدباقر، کمال کوهی، محمّد و مبارک بخشایش، مرتضی (۱۳۹۰) «گرایش به هویّت ملّی و عوامل مؤثّر بر آن»، **ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی**، ٦ (٦۱ و ٦۲)، صص ۵۹-۷۲.

۱۹. قاسمی، علی‌اصغر و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۸۹) «نسبت هویّت ملّی و وحدت ملّی در ایران»، **فصلنامه‌ی پژوهشنامه**، ۲۰ (۵۹)، صص ۹۳-۱۳۸.

۲۰. کاردان، علی‌محمّد (۱۳۷۲) «بحران هویّت»، **نامه‌ی فرهنگ**، ۳ (۹)، صص ۸-۲۷.

۲۱. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) **عصر اطّلاعات، قدرت هویّت**، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

۲۲. گل‌محمّدی، احمد (۱۳۸۳) **جهانی شدن، فرهنگ، هویّت**، تهران: نی.

۲۳. ــــــــــــــ (۱۳۸۰) «جهانی شدن و بحران هویّت»، **فصلنامه‌ی مطالعات ملّی**، ۳ (۱۰)، صص ۱۰-۲۵.

۲٤. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) **تجدّد و تشخّص: جامعه و هویّت شخصی در عصر جدید**، ترجمه‌ی ناصر موفّقیان، تهران: نی.

۲۵. لقمان‌نیا، مهدی؛ خامسان، احمد و احمدی یگانه، طیبه (۱۳۹۱) «توافق و عدم توافق در زمینه‌ی مؤلّفه‌های هویّت ملّی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران»، **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، ۹ (٦)، صص ۳۸-۵۷.

۲٦. ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ (۱۳۹۰) «رابطه‌ی احساس تعلّق به هویّت ملّی با امنیّت در جوانان دختر و پسر: مطالعه‌ی موردی استان خراسان جنوبی»، **فصلنامه‌ی دانش انتظامی خراسان جنوبی**، ۱ (۲)، صص ۹-۲٤.

۲۷. محمّدبخش، محمّد؛ حبی، اکرم و قریشی، فردین (۱۳۹۰) «جهانی شدن و هویّت ملّی دانشجویان دانشگاه تبریز»، **فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۱۱ (٤۳)، صص ۷-٤۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۲۸. مرادی، گلمراد؛ بوستانی، داریوش و همّتی‌فر، محمّدرضا (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین مسؤولیّت اجتماعی و سلامت روانی مهاجران؛ مورد مطالعه: شهر طبس»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۳ (۱)، صص ۱۷۰-۱٤۹.

۲۹. موحّد، مجید؛ حیدری، آرمان و بهجتی اصل، سیّد فخرالدین (۱۳۹۳) «بررسی رابطه‌ی هویّت قومی و ملّی با تأکید بر نقش دینداری؛ نمونه‌ی موردی: دانش‌آموزان متوسّطه‌ی شهر یاسوج»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۵ (۲)، صص ۱۷۱-۱۸۸.

30. Akaliyski, P (2012) Religion and National Identity in Europe. **European Societies Seminar of Religiosity**, Churches and Sects in Europe.

31. Amer, M. & Joseph D. H (2007) Socio-demographic Differences in Acculturation and Mental Health for a Sample of 2nd Generation/Early Immigrant Arab Americans. **Journal of Immigrant Minority Health**, 9 (4),335-347.

32. Ariely, G (2012) Globalization, immigration and national identity: How the level of globalization affects the relations between nationalism, constructive patriotism and attitudes toward immigrants?. **Group Processes & Intergroup relations**, 15 (4), 539-557.

33. Cohen, A.P (1996) Personal nationalism: a Scottish view of some rites, rights and wrongs. **Americam Ethnologist**, 23 (4), 1-14.

34. Cornelis, E (2012) Chinese nation builing and foreign policy: japan and the US as the significant "Other" in national identity construction. **East Asia**, 29 (1),95-108.

35. Hastings, A (1997) **The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism**, New York: Cambridge University Press.

36. Guibernau, Montserrat (2004) Anthony D. Smith on nations and national identity: a critical assessment. **Nations and Nationalism**,10 (1,2), 125–141.

37. Idris, F, Zaharah H, Azizah Y, Saran K G (2012) The role of education in shaping youth national identity. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 59 (1), 443-450.

38. Jones, F. L, Smith, P (2001) Individual and societal bases of national identity: A comparative multi-level analysis. **European sociological Review**, 14 (2), 103-118.

39. Long, J H, Chen G M (2007) Impact Internet on Adolescent Self-Identity Development. **China Media Research**, 3 (1), 99-109.

40. Mjtahed-Zadeh, P (2009) Iran: The Empire of the Mind, **Geografic Quarterly**, 5 (3), 1-26 .

41. Murphy, A (2003) Dominant Territorial Ideologies in the modern State System. Paper Presented to **the 2nd International Congress of the Geographers of the Islamic World**, Tehran, 16 & 17 September.

42. Massey, D S, Aysa, M (2005) **Social Capital and International Migration from Latin America**. Population Division, Department of Economic and Social Affairs, United Nations Secretariat, Mexico City, 30 November – 2 December, 1-24.

43. Palloni, A, Massey, D S, Ceballos, M, Espinosa, K and Spittel, M (2001) Social Capital and International Migration: A Test Using Information on Family Networks, **American Journal of Sociology**, 106 (5), 1262-1298.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

44. Prevos, P (2004) **Cultural identity, function of social science**, Sydney: Maquarie University.
45. Raudsepp, I, Maie V (2011) The Role of the Phenomenon of Joint Singing in the Development of National Identity in Estonia. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 29 (1),1312-1319.
46. Sanina, A (2012) Competing for a citizen: Visible and invisible forms of state identity in Russia. **Journal of Eurasian Studies**, 3 (2),126-146.
47. Stryker, S, Burke P (2000) The past, present, and future of an identity theory. **Social Psychology Quarterly**, 64 (4), 284-297.
48. Burke, P (2004) Identity and social structure: The 2003 Cooly-Mead award address. **Social Psychology Quarterly**, 67 (1), 5-15.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]